

## وقف سهام در دنیای کنونی

### حسین عبده تبریزی<sup>۱</sup>

در دنیای کنونی دولت‌هایی که بخواهند به طور متمرکز کشوری را اداره کنند کمتر داریم. در همه جای دنیا اقتصاد مبتنی بر بازار شده و پذیرفته‌اند که بازار گسست و شکست دارد، هر چند گاهی در آن رانت‌خواری و فساد می‌شود؛ اما هر آدم عادل که بخواهد منابع را براساس مبانی عادلانه‌ای توزیع کند، عدالت در بازار بیشتر می‌شود.

این است که اقتصادهای موجود در دنیا و نوع رفتار دولت‌ها مبتنی بر بازار است؛ مثلاً در حوزه مالیات زمانی معمول بود که از ثروت مالیات بگیرند در حالی که معنی ثروت در آمد انباشته است و دولت‌ها قبلاً از درآمد انباشته مالیات گرفته بودند دوباره با اهداف خدمت به مردم و دفاع از مستضعفین شروع به گرفتن مالیات از ثروت کردند. در اول انقلاب این گرایش در کشور ایران مالیات ملی اعلام شد. حالا اینکه از همه نتوانستند بگیرند بحث دیگری است؛ اما بحث گرایش این است که بعد از مدتی گفتند دولت‌ها از درآمد انباشته بیش از یک بار نباید مالیات بگیرند؛ زیرا خود مردم بهتر از دولت می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین اجازه دهید مالیات بر ثروت وجود نداشته باشد؛ بلکه مالیات از درآمد گرفته شود، الان هم می‌گویند چرا دولت مالیات از درآمد بگیرد تا ۳۰٪ مالیات از مردم به مصرف راه‌سازی برسد؟ الان بخش‌های خصوصی این کار را بهتر انجام می‌دهند. کشور هند تمام جاده‌هایش را با گذاشتن عوارض به بخش خصوصی، می‌سازد تا دولت در حوزه‌ای که به اصطلاح طرح‌های عمرانی می‌گویند کمتر دخالت کند و واقعاً در حوزه‌ای دخالت کند که بخش خصوصی هیچ انگیزه‌ای برای حضور در آن ندارد. این انگیزه گاهی به علت آن است که پروژه سود نمی‌کند. فرض کنید بیمه‌های روستایی را دولت بدهد؛ چون برای بخش خصوصی صرف نمی‌کند، پس دولت تفاوت آن را به بخش خصوصی بدهد تا صرف کند که اصطلاحاً به این روند اهرم می‌گویند. با این کار دولت با ده تومانش صد تومان در بخش خصوصی ایجاد کار می‌کند و به جای اینکه دولت بیاید و در روستای دورافتاده استان قم که برای بخش خصوصی صرف

<sup>۱</sup> دبیر سابق بورس اوراق بهادار کشور و مدیر مسئول روزنامه سرمایه.

نمی‌کند، با آن صد تومان خانه بسازد و صد تومان خودش را اهرم کند و بخش خصوصی هزار تومان سرمایه‌گذاری کند. در نتیجه گفتند به جای مالیات بردرآمد، مالیات بر مصرف بگیریم؛ یعنی هر جا که فرد ثروتمندی خواست هزینه‌ای کند از او مالیات بگیریم.

گرایش امروز دنیا در این حوزه است تا آنجایی که می‌شود، میدان را برای بخش خصوصی باز کند تا افراد انگیزه برای پیشرفت داشته باشند. در چنین نظامی بازار ثروت پایانی ندارد و همه لطف آن به این است که ایجاد انگیزه می‌کند تا همه تلاش کنند. وگرنه ثروتمندترین فرد در دنیا که چیزی حدود شصت میلیارد دلار دارد و احتمالاً از من و شما کمتر مصرف می‌کند؛ نظامی برای او طراحی شده که انگیزه دارد صبح تا شب تلاش کند برای اینکه بتواند ارزش‌های بیشتری خلق کند. تمام دلخوشی او این است که تعدادی سند به نام سهام یا سند مالکیت و ... دارد.

اگر برای ثروت انتهایی قرار دهیم؛ مثلاً ده میلیارد تومان انتهای ثروت شماسست. انگیزه تلاش کردن را از شما گرفته‌ایم؛ مثل اینکه بگوییم اگر شما در دانشگاه مفید دکترا گرفتید، دیگر درس نخوانید؛ یعنی برای انتهای درس خواندن شما دکترا کفایت می‌کند. این بیان، تمام انگیزه برای تلاش و موفقیت را از بین می‌برد؛ پس ارزش گذاشتن به سود به علت طمع‌کاری و ثروت‌اندوزی نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه در ساختن و پیشرفت کشور است.

تجربه هفتاد ساله حکومت‌های کمونیستی نشان داده است که ۷٪ مزارع شوروی سابق که متعلق به بخش خصوصی بود ۶۶٪ کل تولیدات ایجاد می‌شد در ۹۳٪ هم بقیه آن ایجاد می‌شد. این تجربه دنیا است. اقتصاد حوزه تجربه است. اقتصاد ریاضیات نیست که به فرض بخواهیم بیشتر جایزه‌های نوبل را در سی سالگی افراد به آنان بدهیم کسانی که جایزه نوبل را در اقتصاد بردند عموماً بالای شصت سال داشتند برای اینکه هر چه قدر ذهن تئوریک باشد در عمل نیازمند به اطلاعات و تجربه است.

در اقتصاد مخصوصاً وقتی به دولت می‌رسیم میدان تجربه، به اجرا گذاشتن تجربه‌هایی است که دیگران اندوخته‌اند. من و امثال من حق نداریم نظریه‌های جدید اقتصادی خودمان را بر مردم تحمیل کنیم برای اینکه تجربه‌های آنها موجود است و کشورهایی هم هستند که اقتصاد تجربه شده دارند. همه نوع کشور در دنیا داریم کشور اسلامی و غیر اسلامی. وظیفه ما این است که بگوییم می‌خواهیم مردم ایران را به کدام سمت ببریم و کدام جهت را نتیجه کار خودمان قرار دهیم نه اینکه کاری کنیم

که تا امروز هیچ کسی در دنیا انجام نداده که نتیجه آن هم روشن نیست. اقتصادهای مبتنی بر بازار این اشتباه را دارند که افراد می‌روند تلاش می‌کنند؛ اما نتیجه و انتهای بی‌ندارد. عادت فتودالیتیه از سرمایه-دارهای دنیا گرفته شده است؛ جزیره و باغ می‌خرند که انگیزه اصلی تلاش آنها در دنیای امروز موفقیت است. بسیاری از آنها در هتل‌ها زندگی می‌کنند؛ زیرا زندگی در هتل و مکان‌های اجاره‌ای برای آنها راحت‌تر است. این نظام در کشورهای مختلف آداب و رسوم ارزشی خود را دارد؛ نظام مبتنی بر بازار در ایران اسلامی نظام اساسی نیست. در چنین نظامی باید اطلاعات، واضح و مبتنی بر قانون باشد؛ بنابراین کسب سود در چارچوب قانون امکان‌پذیر است در چنین جامعه‌ای روشن است هر کس چه چیزی دارد و دولت‌ها جزئیات کامل در مورد دارایی‌های شهروندان را دارند. در عین اینکه شهروندان هر چه که در چارچوب قانون به دست آورده باشند اشکالی ندارد. دولت تمام جزئیات را به طور کامل می‌داند که همه نهادها چه دارند، کسی چیزی برای مخفی کردن در این چارچوب ندارد. اگر کلیسایی معافیت مالیاتی دارد تمام دارایی‌هایش مشخص می‌باشد و روشن است که اموالش را از چه منابعی به دست آورده، در چه راهی خرج کرده است.

در چنین اقتصادی دارندگان ثروت چه می‌کنند؟ بعد از سن خاصی در چنین نظامی دارندگان ثروت طبیعتاً به فکر این می‌افتند که ثروتشان را به گونه‌ای اداره کنند تا پاسخگوی نیازهای بازماندگان باشد. بنابراین مفهومی مثل خیریه و وقف که به طور گسترده در تمام جوامع اعم از اروپایی، آسیایی و آفریقایی فارغ از نوع مذهب آنها وجود دارد، هزاران صندوق و بنیادهای مختلف وقفی مشغول به کار هستند که در حوزه‌های گسترده‌ای فعالیت می‌کنند. گاهی باور کردنی نیست که چه اهداف محدودی برای این بنیادها تعریف شده است. در سال ۲۰۰۱ در واشنگتن بنیادی تأسیس شد که حفظ درختان واشنگتن را محور قرار داده بود. در آنجا تعریف شده که درخت چه منفعی دارد عکس‌های فضایی نشان داده که درخت-ها در مرکز پایتخت آمریکا کاهش پیدا کرده‌اند و این مسئله ضررهایی را به دنبال دارد. سپس مؤسسه خیریه‌ای تشکیل می‌دهند برای اینکه درخت‌ها را حفظ کنند. برای هر درختی شناسنامه‌ای درست کردند این برای جامعه‌ای که تمام بیمارستان‌ها و دانشگاه‌هایش با بنیادهای خیریه اداره می‌شود و تمام نیازهای اولیه‌اش را بنیادهای مختلف پاسخ می‌دهند عنصر وقف، بخش عمده‌ای از اقتصاد را دارد می‌باشد و در بازار سرمایه هم بسیار مؤثر است. عمده انسان‌ها در همین چارچوب کار می‌کنند و اعتقاداتی دارند.

بیشتر مردم دنیا موحد و مؤمن هستند، اعتقاد به دنیای بعد از دنیای مادی دارند و در آن چارچوب حرکت می‌کنند، افرادی هم هستند که در این چارچوب حرکت نمی‌کنند، گروهی از ثروتمندان، شبیه به صندوق وقف کارهایی انجام داده‌اند به نام صندوق امید، که در بخشی از آن نشریه گفته‌اند: آدم‌هایی هستند که اعتقادات مذهبی ندارند ولی این صندوق‌ها را ایجاد کرده‌اند و خودشان را ذی نفع قرار داده‌اند؛ یعنی به هیئت امنای صندوق گفته‌اند که شما این صندوق را اداره کنید و بعد از فوت من منافع آن را در حساب خودم نگه دارید به این ترتیب منافع انباشته می‌شود. در این حالت نقش اقتصادی بیشتر است؛ چون هیچ هزینه‌ای ندارد، همه پول انباشته می‌شود، ضمناً بدن من را هم در نیتروژن حفظ کنید، بالاخره علم یک روزی صد یا هزار سال دیگر من را زنده می‌کند و امیدوارم در آن روز ثروتمند باشم؛ زیرا نمی‌خواهم دوباره از اول زحمت بکشم و کار کنم. عده‌ای هم که اعتقاد به آن بحث ندارند. به این شکل در دنیا نزدیک به ۱۵۰۰ صندوق با سرمایه‌های مختلف که خیلی شبیه به صندوق‌های وقف است، درست کرده‌اند. البته عده‌ای هم که اعتقادات مذهبی دارند این صندوق‌ها را درست کرده‌اند و گفته‌اند نیمی از آن را برای کشورهای آفریقایی مصرف کنید و نیم دیگر آن را در حساب خودم نگه دارید، بالاخره علم ممکن است روزی مرا زنده کند و من از مواهب ثروت خودم بهره‌مند شوم.

اینها کارهایی است که در دنیا انجام می‌شود و آن تجربیات موجود است. ضروری است علمای ما با این تجربیات آشنا شوند و بگویند آیا در چارچوب ارزشی نظام ما می‌گنجد یا نه؟ واقعاً ما هیچ نیازی به ایجاد سازمانی جدید نداریم. هزاران صندوق با میلیارد-ها دلار فعالیت می‌کنند و کافی است بگوییم اینها با چارچوب‌های فکری ما با اسلام انطباق دارد یا نه؟ جای آن هم دانشگاه مفید و امام صادق (ع) است و علمای برجسته کشور که در این حوزه‌ها کار کنند. متأسفانه در این حوزه‌ها کمتر کار می‌شود و انعطاف نظام هم بسیار کم است در این صورت آثار منفی آن بروز می‌کند؛ یعنی وقتی به این سؤال که آیا وقف پول در اسلام جایز هست یا نیست جواب نمی‌دهیم و این مسئله را به طور ریشه‌ای حل نمی‌کنیم از بخشی از مواهب خیریه و وقف، جامعه را محروم می‌کنیم. عده زیادی بیکار می‌شوند، اشتغال انجام نمی‌شود، تعداد زیادی از سرمایه-گذاری‌ها و تشکیل سرمایه در کشور صورت نمی‌گیرد و نرخ رشد در کشور کاهش پیدا

می‌کند. فقه امروز باید هر چه زودتر به مسئله بهره‌جوای دهد، قوانین باید چارچوب داشته باشد؛ چون ما نمی‌توانیم به طور دائمی با این مسئله روبرو باشیم آیا سودی که بانک می‌دهد شرعی است یا شرعی نیست. باید جمع‌بندی مشخصی به وجود آوریم تا بتوانیم حرکت کنیم اگر به مجموعه‌ای از بانک‌ها مجوز دادیم و بعد هم بحث‌ها را عوض کردیم طبیعتاً به نرخ رشد و حوزه اشتغال کشور صدمه می‌زند و این مسئله عیناً در وقف صادق است. مدیریت مصرف از سرمایه‌گذاری جداست. همه صندوق‌های وقفی و خیریه‌های دنیا به همین شکل اداره می‌شود. فرق است بین کسی که پول را می‌گیرد و برای اهداف خاص توزیع می‌کند با آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند؛ مثلاً یکی پرستار است که از بیمار نگهداری می‌کند و دیگری مدیر حرفه‌ای سبد سهام است که ماهی ده میلیون تومان حقوق می‌گیرد؛ چون حرفه او حرفه‌ای کاملاً متفاوت است. در طراحی‌های جدید صندوق‌هایی اصل پول و سود سالانه را حفظ می‌کند. صندوق‌های دوم از نوع صندوق‌های بازار پول هستند که در کوتاه مدت سه یا پنج روز سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ چون قرار است تا آخر این ماه پول را بردارند و به اهدافی که ذی‌نفع یا خیر تعیین کرده، برسانند. طراحی‌های عاقلانه جدید از تجربیات موجود در دنیا گرفته شده است که نیازی به ابداع دوباره آن نیست. اینها روش‌های موجود در دنیا است. روشن است که صندوق‌های principle (اصل سرمایه) موجودند تا پرداخت‌های سالیانه از آنجا داده شود. این صندوق‌ها چه نوع مدیریتی دارند، هیئت‌امنا و مدیران فعال چه نقشی دارند، کدام صندوق‌ها فعال هستند و کدام صندوق‌ها مدیریت ساکن و ثابت دارند؟ این تجربیات در دنیا سال‌هاست که موجود می‌باشد. ما نزدیک به هفده هزار نوع صندوق سرمایه‌گذاری در دنیا داریم که در طول سال‌های طولانی بانکداران و مدیران سرمایه‌گذاری طراحی و ابداع کرده‌اند.

این تجربه موجود در جامعه بشری است و بخش عمده‌ای از آن در سایت‌ها وجود دارد فقط کافی است آن را طراحی کنیم و بدانیم کدام یک با شرایط، محیط و امکانات ما هماهنگی دارد؛ یعنی این طور نیست که صندوقی را برای بار اول معرفی کنیم کاری که هیچ کسی در دنیا نکرده است. هر نوع صندوقی را که از ذهن من و شما می‌گذرد در نظر بگیرید خواهید دید میلیون‌ها نفر برای آن طرح داده‌اند و کار کرده‌اند. می‌توانیم از این تجارب استفاده کنیم. صندوق‌های وقفی ما در سال ۸۲ و ۸۳ تا حدی فعال شدند؛ اما الان بازار سرمایه

دچار رکود است. طبیعتاً صندوق‌های وقفی امکان حضور در بازار وقف را ندارند. برآورد من از صندوق‌های وقفی ما این است که هنوز زیر ۱٪ بازار سرمایه‌ای ایران هستند. باید در دارایی‌های مالی این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری شود. این سرمایه‌گذاری در اروپا و آمریکا بین ۸ تا ۸/۵ درصد است؛ یعنی کل برآوردی که در بازار، سرمایه‌گذاری شده بین ۸ تا ۸/۵ درصد آن در اختیار بازار سرمایه است؛ ولی توجه کنیم که بازارهای سرمایه دنیا در روز چیزی حدود هزار برابر در آمد نفتی ما معامله می‌کنند.